



## مقالات : منافع ممکن الحصول و عدم النفع

حقوق :: نشریه قضاوت :: آبان و آذر ۱۳۸۱ - شماره ۱۰

صفحات : از ۱۹ تا ۲۱

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/861252>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۳/۱۱/۲۱

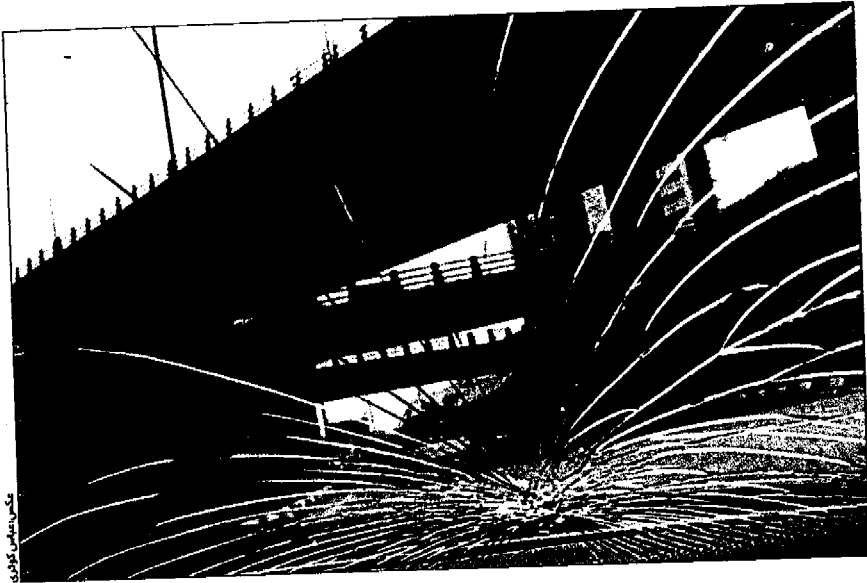
مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- نقد و بررسی تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آئین دادرسی مدنی (عدم النفع)
- ممکن الحصول و صدق اتلاف
- خسارت عدم النفع در نظام حقوق کنونی ایران
- فوت منفعت یا «عدم النفع» در حقوق ایران و اسلام
- عدم النفع قابل مطالبه نیست
- ضمانت عدم النفع ناشی از فسخ قرارداد از منظر فقه، حقوق ایران و حقوق بین الملل
- کاوشی در مطالبه خسارت عدم النفع در حقوق موضوعه ایران
- مقاله پژوهشی: بیمه عدم النفع در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق انگلستان
- ضمان ناشی از خسارت عدم النفع در نظریه فقهی وحید بهبهانی
- بررسی قابلیت جبران پذیری عدم النفع در فقه امامیه
- خسارت عدم النفع در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا، مصوب ۱۹۸۰
- خسارت عدم النفع؛ نظریات و مقررات

## عناوین مشابه

- تحلیل و بررسی دو رای در باب تمایز بنیادین میان عدم النفع و تقویت منافع؛ (موضوع اولین جلسه نقد رای برگزار شده در دانشگاه علوم قضایی)
- نقد و نظر، نامه و خبر، حال و اثر؛ و چند مقاله دیگر توضیحاتی پیرامون «تقویت منافع» و «عدم النفع»
- دو نکته کاربردی (تداخل مجازاتهای تعزیری و بازدارنده و توضیحاتی پیرامون «تقویت منافع» و «عدم النفع»)
- عدم تصویب مالیات بر عایدی مسکن: ادامه مسیر اشتباه و تضمین منافع سوداگران
- تعارض منافع و عدم شفافیت به مثابه فساد در نظام سلامت
- بررسی عدم النفع در فقه و حقوق موضوعه/ قسمت پایانی
- ضمانت عدم النفع ناشی از فسخ قرارداد از منظر فقه، حقوق ایران و حقوق بین الملل
- بررسی عدم النفع در فقه و حقوق موضوعه
- مسئولیت مدنی حکومت اسلامی در جبران خسارات منافع ممکن الحصول شهروندان
- بحوث و مقالات: أعلى هذا تبقى المحاكم الشرعية؟ (التعديل الأخير في اللائحة) (عدم السماع. المحاكم الأهلية. المحاكم المختلطة. المجالس الحسبية. المجالس المليية)



عکس: سید علی کاشانی

## منافع ممکن الحصول و عدم النفع

برده است، در ماده ۲۲۱ قانون مدنی به عنوان ضرر و جرم، مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر می‌شود. مطابق تبصره ۲ ماده ۵۱۵ نیز: «خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست و خسارت تأخیر تأدیه در موارد قانونی قابل مطالبه است. در خصوص رابطه بین این دو اصطلاح و تعیین حدود و شغور آنها ضروری است ابتدا واژه هائی که به نحوی با موضوع مرتبط است از نظر اصطلاحی و لغوی مورد تعریف قرار بگیرد. الف - ضرر: واژه ضرر از نظر لغوی به معنای گزند و در مقابل نفع و به بدحالی و ناسازگاری تعریف شده است.

ب - خسارت: (۱) از نظر لغوی واژه خسارت به معنای زیان و ضرر به کار می‌رود. (۲) از نظر اصطلاحی دکتر کاتبی بیان می‌کند که خسارت در دو معنا به کار می‌رود. در یک معنا به عنوان ضرر و زیان در معنای دیگر به عنوان جبران خسارت به کار می‌رود که قانونگذار این دو واژه را در هر دو معنا به کار

گاهی با موضوعاتی روبرو هستیم که سؤال برانگیز است، از جمله این که: «شخصی اتومبیل دیگری را به مدت یکماه اجاره می‌کند و پس از انتضای زمان خودرو را به مالک آن تحویل می‌دهد اما فراموش می‌کند که سوئیچ خودرو را هم بدهد و متعاقب آن از دسترس خارج می‌شود. در این مدت صاحب خودرو منافعی را از دست داده است و...». مواردی از این دست با عنوان «منافع ممکن الحصول و عدم النفع» به قلم آقای مهرزاد جمشیدی دادرسی دادگاه عمومی تهران به رشته تحریر درآمده است که نظر به اهمیت مباحثی از این دست به چاپ می‌رسد. همچنین بدیهی است باب موضوع برای پرداختن بیشتر و تضارب آراء برای عزیزان صاحب قلم باز است.

۱) تفاوت ضرر و زیان و خسارت: اکثریت این دو اصطلاح را مترادف هم‌دیگر می‌دانند لیکن برخی در این خصوص نظر بر این دارند که خسارت دارای معنا و مفهوم گسترده‌تری نسبت به ضرر و زیان می‌باشد به دیگر سخن ضرر و زیان تنها به آثار فعل مجرمانه اطلاق می‌شود نه اصل آن، لیکن اصطلاح خسارت در ادبیات حقوقی شامل همه زیانهای حاصله اعم از اصل و فرع می‌باشد.

۲) تعریف دعوی ضرر و زیان: به نوع خاصی از این دعاوی مدنی (حقوقی) اطلاق می‌شود که موضوع آن مطالبه خسارت ناشی از فعل مجرمانه در معیت دعوی کیفری است.

۳) فلسفه دعوی ضرر و زیان: از آنجا که حکومت امنیت لازم را علی‌رغم وظیفه قانونی در جهت صیانت از حقوق متضرر از فعل

«منافع ممکن الحصول و عدم النفع»؛ این دو اصطلاح حقوقی به ترتیب موضوع بند ۲ ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب و تبصره ۲ ماده ۵۱۵ آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب می‌باشد. مطابق این موارد از جمله ماده ۹: «شخصی که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان شده و یا حقی از قبیل قصاص و قذف پیدا کرده و آن را مطالبه می‌کند، مدعی خصوصی و شاکی نامیده می‌شود.» ضرر و زیان قابل مطالبه به شرح ذیل می‌باشد:

(۱) ضرر و زیانهای مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است.

مجربانه از طریق جلوگیری از تحقق اعمال و افعال مجربانه در جامعه به عمل نیاورده است و بدین لحاظ خود را در خسارت وارده به متضرر از فعل مجربانه متضرر می داند لذا اجازه طرح دعوی ضرر و زیان ناشی از فعل مجربانه را به متضرر از جرم به عنوان استثنائی بر اصل به لحاظ تسریع در ترمیم خسارت و استفاده از سایر مزایای دادرسی کیفری در معیت دعوی کیفری داده است.

**۴) تاریخچه دعوی ضرر و زیان:**

دعوی ضرر و زیان برای اولین بار در ماده ۹ قانون اصول محاکمات جزائی مصوب ۱۲۹۰ مورد قانونگذاری واقع گردید، که حسب آن صرفاً ضرر و زیان مادی قابل وصول اعلام شده بود.

متقابلاً پس از تغییر عنوان اصول محاکمات جزائی به آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۱۸ حسب ماده ۹ و اصلاحی ۱۳۳۵ آیین دادرسی کیفری، ضرر و زیان مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول قابل مطالبه شناخته شده است و النهایه در آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری در ماده ۹ صرفاً ضرر و زیان مادی و منافع ممکن الحصول قابل مطالبه شناخته شد.

**۵) ماهیت دعوی ضرر و زیان:**

اندیشمندان حقوق جزا اصولاً ضرر و زیان را به سه دسته مادی، معنوی و منافع ممکن الحصول تقسیم می نمایند و تقریباً تمامی نظامهای حقوقی بر این اساس به قانونگذاری پرداخته اند.

با توجه به فلسفه دعوی ضرر و زیان که فی نفسه یک دعوی حقوقی صرف است ملاحظه می کنیم که دعوی ضرر و زیان در هر سه قسم مادی، معنوی و منافع ممکن الحصول دارای ماهیت حقوقی است و اجازه طرح این دعوی در معیت دعوی کیفری اولاً استثنائی بر اصل است ثانیاً طرح این دعوی در معیت دعوی کیفری ماهیت حقوقی دعوی را تغییر نمی دهد و آراء وحدت رویه ۵۸۲ - ۷۲/۱۲/۲ - ۶۰۶ - ۳/۹/۷۶، و رأی اضرائی ۸۲۹ - ۴۲/۳/۶ و مفاد ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۷۸ بیانگر ماهیت حقوقی دعوی ضرر و زیان است. مهمترین اصلی که در دعوی ضرر و زیان مطرح است و مورد پذیرش نظامهای حقوقی معتبر و مناسب این اصل است: «خسارت، تمام خسارت هیچ جز خسارت نیست». بدین معنا که در رسیدگی به دعوی ضرر و زیان صرفاً به نفس خسارت و ارزیابی دقیق آن توجه شود و برخلاف رسیدگی کیفری شخصیت مجرم و اوضاع احوال و سایر مسائل در امور ضرر و زیان مورد لحاظ واقع نگردد.

**منافع ممکن الحصول:**

همانطور که از معنای تحت اللفظی این اصطلاح حقوقی مستفاد می شود منظور منافی است که امکان حصول آن در آینده محقق است و این امکان حصول ممکن است بین ۱ درصد تا ۹۹ درصد باشد.

دکتر آشوری منافع ممکن الحصول را منافع فائده می نامد و اظهار می دارد «محرومیت شخص از منافی که عادتاً انتظار آن را دارد منافع فائده نامیده می شود این

گونه منافع به هنگام وقوع فعل زیانبار اعم از ارتکاب جرم و یا استیساد نامشروع وجود ندارد و تحقق آن موکول به آینده است. ۱

با عنایت به ماده ۹ آیین دادرسی کیفری سال ۷۸ ملاحظه می کنیم که ضرر و زیانهای قابل مطالبه تحت عنوان ضرر و زیان مادی و منافع ممکن الحصول بیان شده است. لذا با عنایت به مطلب مذکور و توجه به بند ۲ ماده ۹ قانون دو مطلب مهم مستفاد می شود:

۱) منافع ممکن الحصول را قانونگذار به عنوان ضرر و زیان و قابل مطالبه دانسته است.

۲) محرومیت فرد از منافع ممکن الحصول باید ناشی از فعل مجربانه باشد.

**تفاوت بین اتلاف منفعت و منافع ممکن الحصول:**

ضرر و زیان مادی به دو صورت محقق می شود:

- ۱) اتلاف عین
- ۲) اتلاف منفعت

منظور از اتلاف منفعت، منفعت موجود است که مورد تلف واقع شده است. لیکن اگر منفعت هنوز موجود و محق نباشد و امکان حصول آن در آینده از بین برود و تحت عنوان منافع ممکن الحصول مطرح می شود. به عنوان مثال تلف کردن میوه های رسیده یک باغ تحت عنوان اتلاف منفعت و از مصادیق ضرر و زیان مادی، ولی اتلاف میوه های باغی که یک ماه دیگر قابل بهره برداری می باشد مشمول منافع ممکن الحصول می باشد. شواهد دعوی منافع ممکن الحصول:

الف - شرایط شکلی: دعوی مطالبه منافع ممکن الحصول با عنایت به حقوقی بودن موضوع و فلسفه طرح، نیاز به شرایطی دارد که جنبه شکلی دارد: ۱) تقدیم دادخواست، این دعوی باید به صورت دادخواست و با رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی مطابق ماده ۴۸ آیین دادرسی مدنی و ماده ۱۱ آیین دادرسی کیفری باشد.

۲) طرح دعوی در معیت دعوی کیفری، یعنی اینکه فرد باید ابتدا مراتب تضرر خود را از فعل مجربانه در قالب شکوائیه طرح و در جریان دعوی کیفری، دادخواست ضرر و زیان را تقدیم نماید و در صورت عدم شکایت باید مطالبه منافع زائل شده را تحت عنوان دیگری که بعداً توضیح داده می شود مورد مطالبه قرار دهد، زیرا آن مسئله ای که اجازه ورود متضرر را در دعوی کیفری و استفاده از مزایای دادرسی کیفری می دهد اعلام تضرر فرد از فعل مجربانه است و به لحاظ این اعلام مورد حکایت قانونگذار قرار می گیرد.

ب - شرایط ماهوی: ۱) موجبات حصول نفع کامل باشد: یعنی در جریان سیر حرکتی برای حصول نفع شرایط لازم موجود باشد، دکتر نخجیری مشکل عمده را در این خصوص در تشخیص این منافع و تعیین حدود آن می داند و اظهار می دارد «دامنه اعمال این قاعده نباید نامحدود بوده و شامل هرگونه منفعت فوت شده گردد، بلکه باید محدود بر منافی شود که در زمان وقوع جرم منشأ قانونی آن وجود داشته باشد. ۲) دکتر آشوری در تعریفی که ارائه می دهد، منافع ممکن الحصول را

منافی می داند که عادتاً انتظار آن در آینده وجود دارد. به نظر می رسد که من حیث المجموع باید موجبات حصول نفع از نظر عرف کامل باشد. مثلاً کارگری که رابطه استخدامی یک ماهه با کارفرما دارد اگر مورد توفیق غیر قانونی قرار بگیرد به لحاظ قرارداد منعقد موجبات حصول نفع محقق تلقی می شود ولی اگر نگردد توفیق شود چون فاقد هرگونه موجبات حصول نفعی است دعوی مطالبه نفع وی قابلیت استماع را ندارد.

۲) موضوع دعوی منافع ممکن الحصول مادی باشد: صرف نظر از اینکه ضرر و زیان معنوی فی الحال قابلیت مطالبه را برخلاف اکثر نظام های حقوقی حسب ماده ۹ آیین دادرسی کیفری ندارد لیکن در مورد اینکه چرا موضوع منافع ممکن الحصول باید مادی باشد باید اظهار داشت، این مسئله ای است که به نظر عرف بستگی دارد همانطور که در بحث عدم نفع بعداً بیان می شود و قانونگذار هم از نظر عرف پیروی می کند ملاحظه می کنیم که عرف حاکم در این قضیه صرفاً آن بخش از منافع مادی را که موجبات آن کامل باشد ضرر محسوب می کند و ضمان آور می داند و حتی مابقی منافع مادی را هم ضرر نمی داند بنابراین با اولویت منافع معنوی ممکن الحصول نمی تواند مورد حمایت عرف قرار گرفته و به عنوان ضرر مطالبه شود.

به عنوان مثال اگر شخصی بخواهد در یک سمینار بین المللی سخنرانی کند و در مورد تجارب الکترونیکی تزی خود را ارائه دهد، چنانچه ارائه آن نیز موجب اشتیاق وی شود و بعداً موجب جذب توسط شرکتهای تجاری و تحصیل منافع مادی شود، حال اگر این شخص در حین عزیمت به سمینار توفیق شود چون شرکت در سمینار صرفاً برای وی منافع معنوی داشته است، گرچه منافع مادی نیز ممکن است به طور غیرمستقیم عاید او بشود، مشمول منافع ممکن الحصول نمی شود.

۳) تحقق منافع موکول به آینده باشد: به لحاظ اینکه اگر منفعت موجود باشد و مورد اتلاف واقع شود بحث اتلاف منفعت و از مقررات ضرر و زیان مادی است لیکن منفعت باید قابل تحقق در آینده باشد تا بتواند موضوع منافع ممکن الحصول واقع شود.

۴) زایل شدن منافع در آینده ناشی از فعل مجربانه باشد: با عنایت به بند ۲ ماده ۹ آیین دادرسی کیفری که اظهار می دارد: «منافی که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر می شود. ۲» مشخص می شود که زایل شدن این منافع و محرومیت متضرر از آن باید ناشی از فعلی باشد که عنوان مجربانه داشته باشد، به عنوان مثال چنانچه شخصی اتومبیل دیگری را در مدت یک ماه اجاره کند و پس از انقضای یک ماه خودروری وی را تحویل می دهد متاهی فراموش می کند که سوییچ ماشین را تحویل مالک نماید و به مسافرت رود. به مدت یک هفته در این فرض، مالک خودرو از منافع ماشین محروم بوده لیکن این محرومیت ناشی از فعل مجربانه نبوده است. لذا از باب منافع الحصول قابلیت وصول را ندارد لیکن به عنوان عدم نفع قابل وصول می باشد که بعداً توضیح داده می شود یا مثلاً کارگری مورد توفیق غیر قانونی

طرح آن به لحاظ اینکه هر دو عنوان قابلیت وصول و مطالبه دارند ضروری نمی باشد لیکن در این خصوص به طور کلی چهار نظر می توان ارائه داد:

۱- عدم النفع را بخشی از منافع ممکن الحصول تلقی نموده و استدلال نمائیم که چون عدم النفع نوعی از منافع است که امکان حصول آن در آینده زائل شده لذا بخشی از منافع ممکن الحصول می باشد.

۲- از نظر ثانی اینکه منافع ممکن الحصول را بخشی از عدم النفع بدانیم و استدلال نمائیم که چون منافع ممکن الحصول از مصادیق دعوی ضرر و زیان می باشد و دعوی ضرر و زیان هم اصالتاً یک دعوی حقوقی است و با توجه به اینکه عدم النفع هم دعوی حقوقی محسوب می شود لذا دعوی منافع ممکن الحصول در واقع منشعب از عدم النفع می باشد و بر کلیت عدم النفع به لحاظ ماهیت حقوقی نسبت منافع ممکن الحصول نظر دهیم. دو نظر فوق ما را به سمتی رهنمون می نماید که بر

عموم و خصوصی مطلق بودن رابطه این دو اصطلاح حقوقی نظر دهیم لیکن با عنایت به ماهیت این دو اصطلاح و توجهاً به اینکه در رابطه عموم و خصوصی مطلق بین محمول و موضوع رابطه اعم و اخص حاکم است در حالی که در مانحن فیه چنین رابطه ای محرز نمی باشد.

۳- نظر سوم اینکه برای این دو اصطلاح رابطه ای قائل نشویم و بر رابطه تباین نظر دهیم لیکن با عنایت به تعریف این دو اصطلاح با عدم صحت این نظر مواجه می شویم.

۴- همانطور که در مطالب قبلی بیان شده اولاً هر دو عنوان دارای ماهیت حقوقی هستند ثانیاً هر دو عنوان از لحاظ ارکان و موضوع مانند کامل بودن موجبات حصول نفع، قابلیت تحقق نفع در آینده، رابطه علت بین ضایع شدن نفع و عامل ثانوی (خارجی)، مطالبه منافع زائل شده، مشترک هستند، لیکن تنها تفاوتی که بین این دو عنوان وجود دارد این است که عامل ایضاع کننده نفع در منافع ممکن الحصول فعلی است که عنوان مجرمانه دارد ولی در عدم النفع این عامل فاقد وصف مجرمانه است بنابراین از آنجا که وصف مجرمانه یک فعل یک امر اعتباری است نه ذاتی که بر ماهیت این عناوین مرتبط باشد و ممکن است که فعل در یک زمان وصف مجرمانه داشته و در زمان و مکان دیگر فاقد این وصف باشد، لذا این تفاوت نمی تواند ملاک متفاوت بودن ماهیت این دو عنوان باشد و یا ماهیت آنها را تغییر دهد و به این اعتبار به عموم و خصوصی مطلق بودن رابطه این دو نظر دهیم. با عنایت به تعریف این دو اصطلاح رابطه آنها هم مشخص می شود.

تعریف:

۱- آن بخش از منافی که زائل شدن تحقق آن در آینده علیرغم کامل بودن موجبات حصول ناشی از فعل مجرمانه باشد منافع ممکن الحصول نامیده می شود.

۲- آن بخش از منافی که زائل شدن تحقق آن در آینده علیرغم کامل بودن موجبات حصول ناشی از فعل غیر مجرمانه باشد عدم النفع نامیده می شود.

آبروی وی لطمه وارد آید، خواه این لطمه و آسیب با اراده کسی وارد آمده باشد یا بدون اراده، در همه این موارد ضرر وجود دارد، بلکه برحسب عرف، عدم النفع در صورتی که موجبات و مقدمات آن آماده شده باشد ضرر محسوب می شود. بنابراین:

اولاً: بحث عدم النفع یک بحث فقاهتی صرف نمی باشد، بلکه یک بحث موضوعی و مربوط به لغت و عرف می باشد.

ثانیاً: در مورد ضرر محسوب شدن عدم النفعی که موجبات حصول آن کامل شده باشد منعی در خصوص قرآن و سنت ملاحظه نمی شود و اجماع فقها نیز حاصل نشده.

ثالثاً: با توجه به حاکمیت عرف در این خصوص، این مسئله یک امر موضوعی است و قاضی می بایست با توجه به تلقی عرف از ضرر در هر مورد تصمیم لازم را اتخاذ نماید.

وابعاً: نظریه مشهور فقهای امامیه (عدم النفع لیس بالضرر) با توجه به قاعده فقهی لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام منصرف به آن بخشی از عدم النفع است که عرف نسبت به آنها تلقی ضرر را ندارد.

خامساً: با عنایت به مفاد تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی ملاحظه می نمائیم که قانونگذار هم از این نظر پیروی و عدم النفع را قابل مطالبه اعلام نموده است.

تحلیل تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی: «خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست و خسارات تأخیر تأدیه در موارد قانونی قابل مطالبه است.» با عنایت، مفاد تبصره ملاحظه می کنیم. اولاً واژه خسارت در تبصره و ماده ۵۱۵ در معنای ضرر استعمال شده است. ثانیاً واژه عدم النفع ذکر شده در تبصره با توجه به مطالبی که بیان شد منصرف است به آن بخش از عدم النفعی که موجبات حصول آن کامل بوده و با اعتبار این کامل بودن ضرر تلقی و ضمان آور می باشد. ثالثاً با عنایت به مراتب ذکر شده، عبارت صدر تبصره در واقع با این صورت می باشد «ضرر ناشی از ضرر قابل مطالبه نیست.»

زیرا هر دو واژه عدم النفع و خسارت در معنای ضرر استعمال شده است. رابعاً با عنایت به مفاد ماده ۷۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ (خسارت از خسارت قابل مطالبه نیست) و مطابقت آن با صدر تبصره ۲ موضوع بحث ملاحظه می کنیم که مفاد صدر تبصره در واقع ترجمه تقییل ماده ۷۱۳ سابق می باشد که در خصوص غیرشرعی بودن آن اتفاق نظر وجود دارد. خامساً در تبصره ۲ بیان شده است خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست و بیان نشده که عدم النفع قابل مطالبه نمی باشد، بنابراین نهی قانونگذار در تبصره منصرف به خسارت ناشی از عدم النفع است نه اصل عدم النفع با عنایت به مراتب و شرایطی که ذکر شد قابل وصول می باشد.

نتیجه:

در خصوص رابطه بین عدم النفع و منافع ممکن الحصول، گرچه به لحاظ عدم ترتب آثار عملی

قرار می گیرد بعد مشخص می شود که قبل از توقیف حکم اخراج وی به کارگزینی مربوط ابلاغ شده است که در این فرض زائل شدن منافع ناشی از قتل مجرمانه نبوده بلکه یک امر اداری موجب زائل شدن منافع شده است.

۵- تحقق منافع در آینده نیازمند اقدام ثانوی نباشد: دکتر قحیه نخجیری در این خصوص می گوید: «این منافع بدون احتیاج به ابتکار و حادثه جدیدی از همان منشاء قابل حصول است، یعنی رابطه مستقیم بین حصول منفعت در آینده و منشاء قانونی قابل تصور باشد.»

مثلاً راننده تاکسی که خودروی او سرقت شده ادعا کند که قصد داشته که کرایه یک ماه را به تاجری تحویل دهد تا با وارد کردن آن در چرخه تولید به امر صادرات بپردازد و سودی عاید وی شود در این حالت چون حصول این منافع نیاز به اقدامات ثانوی دیگری دارد مثلاً مواد اولیه، قرارداد صادرات و مسائل متنوع دیگر دارد لذا نمی تواند در شمول منافع ممکن الحصول مورد مطالبه قرار گیرد ولی کرایه یک ماه مشمول منافع مذکور می شود.

عدم النفع:

اصطلاح عدم النفع از دو واژه «عدم» به معنای نیستی و «نفع» به معنای سود تشکیل شده است. اصولاً واژه های نفع و ضرر و زیان به عنوان دو واژه متضاد در مقابل یکدیگر قرار دارند. اما شاید به اختصار به توان گفت؛ منظور از ضرر نقصان در موجودیت یک شیء است و منظور از نفع فزونی در موجودیت یک شیء است که معمولاً ضرر نتیجه تأثیر عامل خارجی بر موجودیت شیء است و نفع نتیجه حاصله از موجودیت یک شیء.

از نظر لغوی: منظور از عدم النفع حاصل نشدن نفع است که عدم حصول معطوف به آینده است.

از نظر اصطلاحی: منظور از عدم النفع محروم شدن از فایده است که انتظار حصول آن وجود دارد.

نکته مهمی که در خصوص قابل وصول بودن عدم النفع ضرورت دارد پاسخ به این سؤال است که آیا عدم النفع ضرر محسوب می شود یا خیر؟ در فقه عامه:

در این خصوص مسائل متعدد و متوعی مطرح اما به اختصار باید گفت در فقه حنفی عدم النفع در هیچ شرایطی قابلیت وصول ندارد زیرا در فقه حنفی اصل منفعت را مال نمی دانند و موقعی که اصل منفعت یا منفعت موجود مال نباشد با اولویت منفعتی که تحقق آن مرکوب به آینده باشد مال محسوب نشده و اتلاف آن به لحاظ اینکه ضرر محسوب نمی شود ضمان آور نمی باشد.

در فقه امامیه:

اصل منفعت مال محسوب می شود و اتلاف آن ضرر و ضمان آور می باشد، اما در مورد عدم النفع قول مشهور فقها این است که «عدم النفع لیس بالضرر» آیه الله نائینی در کتاب منیه الطالب در این خصوص اظهار می دارد: «... در مورد عدم النفع باید قائل به تشکیک شده و اگر مال یا عضوی از اعضای انسان صدمه بخورد و یا ناقص شود و یا شخصی ببرد و یا به